

## معرفی معتزلیان معاصر<sup>۱</sup>

سعیده غروی

پژوهشگر

چکیده

پیدایش علم کلام در تاریخ اسلام به دلیل عوامل داخلی و خارجی بوده و همین عوامل همواره باعث پویایی این علم بوده‌اند. همراه با ظهور علم کلام به تناسب تعدد آراء و عقاید کلامی، فرقه‌های متعدد و متکلمین زیادی ظهور کرده‌اند که بعضی از آنها به لحاظ ارائه عقایدی خاص و نیز تسلط به مباحث کلامی و توانایی پاسخگویی به شبهات مخالفین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از جمله این فرقه‌ها معتزله و از جمله متکلمین برجسته، قاضی عبدالجبار همدانی است. وجه ممیزه این فرقه کلامی روی آوردن به تفسیر عقلانی آموزه‌های دینی، اعتقاد به آزادی اختیار انسان، عقیده به حسن و قبح عقلی و اعتقاد به عینیت ذات و صفات خداوند می‌باشد.

امروزه گروهی از نواندیشان اسلامی، عمدتاً در کشورهای عربی به این جنبه مهم کار معتزله یعنی رویکرد عقلانی به مبانی دینی توجه کرده و ضمن الگوبرداری از آن سعی در حل مشکلات و معضلاتی دارند که اسلام در مواجهه با مدرنیته با آنها روبرو شده است. ظهور نومعتزلیان همزاد با آراء و اندیشه‌های محمد احمد خلف الله و پیروان او در مصر می‌باشد. حسن حنفی شاگرد احمد خلف الله، در میان معتزلیان معاصر تنها کسی است که به جمع‌آوری و بررسی آراء کلامی به صورت مدون و منسجم پرداخته است. لذا می‌توان آراء او را بعنوان نماینده معتزله جدید در مقایسه با آراء عبدالجبار همدانی بعنوان نماینده معتزله قدیم قرار داد و از این راستا به چگونگی رابطه این دو گروه معتزلی پی برد.

---

۱- کار ارزیابی مقاله در تاریخ ۸۳/۲/۱۴ آغاز و در تاریخ ۸۳/۳/۵ به اتمام رسید.

## واژگان کلیدی

سنت، عقل، اسلام خواهی، تجدد خواهی، نو معتزلیان

## معرفی معتزلیان معاصر

معتزله نام آشنایی در حوزه علوم و معارف اسلامی است و به فرقه کلامی اطلاق می‌شود که ویژگی عمده آنان به کارگیری عقل در تفسیر آموزه‌های کلامی و الهیاتی بود و بدینسان ایشان راه خویش را از تفکر اهل سنت و جماعت که بیشتر نقل‌گرا بودند ممتاز می‌ساختند. معتزلیان به رهبری کسانی چون حسن بصری و اندیشمندانی چون جاحظ و قاضی عبدالجبار و به دنبال حوادث سیاسی - اجتماعی و اندیشه‌های جدیدی که در جامعه نو پای اسلامی پدید آمده بود در تاریخ اسلام ظهور کردند.

استفاده از شیوه تأویل و عنصر مجاز در تفسیر نصوص و نیز به کارگیری عقل در فهم معارف و علوم اسلامی سرلوحه کار آنان بود. پیش زمینه‌های ظهور این فرقه را می‌توان در دو دسته عوامل اصلی خلاصه کرد: یکی عوامل خارجی که در نتیجه طرح و ورود اندیشه‌های غیر اسلامی به جامعه مسلمانان و برخورد فکری آنان با عناصر بیگانه روی داد<sup>۱</sup> و دوم عوامل داخلی که به دنبال درگیری‌های داخلی بر سر مسأله خلافت پدید آمده بود (محمد صبحی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۰-۳۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- این عامل عمدتاً به دنبال فتوحات متعدد مسلمانان در جهاد علیه کفار شکل گرفت؛ چرا که مسلمانان در بلاد مفتوحه با صاحبان ادیانی روبرو شدند که علما و یا کاهنانشان ضمن آشنایی با فلسفه و منطق، سلاح فکری خاص خود را جهت دفاع از اصول عقاید خود داشتند؛ مسلمانان اما، به دلیل دست یابی به منبع بی‌واسطه وحی در امر دین چون و چرایی نداشتند و صرفاً از دلایل نقلی برای اثبات عقاید خود سود می‌جستند و در مواجهه با ادیان دیگر متوجه لزوم استخدام عقل و دلایل عقلی در اثبات دین خود شدند. یکی از مسائل مهم در این باب «کلام خداوند» است که مخلوق است یا غیرمخلوق، قدیم است یا حادث و در نتیجه اختلاف بین اسلام و مسیحیت حول دلالت «کلمه» در وصف حضرت مسیح شکل گرفت (همو).

از جمله فعالیت‌های معتزلیان در مقابله با چنین رویدادهایی توجه خاص به بحث‌های نظری بود. ایشان ضمن توجه به جنبه‌های عملی و کاربردی دین اسلام در تمامی شؤون حیات فردی، اجتماعی و سیاسی تلاش وافری در جهت اثبات رابطه عقل و وحی از خود نشان دادند. توجه خاص به دو اصل توحید و عدل و ارائه دو آموزه اختیار در مقابل جبر و حسن و قبح عقلی در مقابل حسن و قبح شرعی، از ابتکارات مهم معتزله است و در حقیقت می‌توان آن را عکس‌العملی در مقابل اوضاع فکری حاکم بر آن زمان دانست. عقیده به جبر و قضا و قدر الهی اگر چه در ابتدا به منظور تعالی بخشیدن به ذات الهی و اعطای فاعلیت مطلق او بر عالم مطرح و ترویج می‌شد، لیکن به مرور زمان تبدیل به وسیله‌ای در دست حکام ظالم شد تا با استناد به دلایل دینی، اوضاع اسف بار مردم را به خواست و مشیت الهی دانسته و بدین طریق بر آنها تسلط یابند (شعری، ۱۳۶۹ هـ، ص ۱-۲).

امروزه گروهی از نواندیشان و تجدد خواهان معاصر، عمدتاً در کشورهای اسلامی عرب زبان، با توجه به این جنبه مهم کار معتزله یعنی ارائه تفسیر عقلانی از وحی و شریعت می‌کوشند با احیای این مکتب فکری در اسلام و تطبیق آراء و آموزه‌های آن با مسائل جدید که به دنبال تحولات دوره مدرنیته بوجود آمده، راه حل‌ها و موضع‌گیری‌های مناسبی برای این مسائل بیابند.

پدیده اسلام خواهی که به خصوص در یکی دو قرن اخیر با فعالیت‌های بزرگان دینی در مناطقی از دنیای اسلام ظهور چشم‌گیری داشته، در کشورهای مختلف به گونه‌های متفاوت بروز کرده است. مثلاً در ایران تحت زعامت رهبران شیعی و مراجع تقلید طی سال‌ها مبارزه در انقلاب اسلامی به اوج خود رسید. هم زمان در کشورهای دیگر نیز جنبش‌هایی صورت گرفته که از آن تعبیر به «بیداری اسلامی» می‌شود.

سر سلسله این جنبش‌های عمدتاً تجددخواهانه را می‌توان سید جمال الدین اسد آبادی (متوفی ۱۳۱۵هـ)، معروف به افغانی دانست. تلاش‌های او در جهت بیداری اسلامی و ایجاد وحدت بین شیعه و سنی بسیار مؤثر بوده (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹) و می‌توان ادعا کرد ادامه راه او در توجه ویژه به جنبه‌های عملی و کاربردهای سیاسی اسلام، پس از او توسط

شاگردش محمد عبده (متوفی ۱۳۲۳هـ) و همفکران ایشان به تجدد خواهی امروز متفکران مصری انجامیده است. البته سید جمال را باید عنصری سیاسی در گرایش اعتزالی دانست. اما شاگرد و شاید مرید او محمد عبده بیشتر یک عنصر فکری و متکلم به حساب می‌آید. خلاصه‌ای از آراء کلامی او را می‌توان در رساله «التوحید» او یافت. «عبده معتقد بود اسلام تنها دینی است که بر اساس عقل و وحی می‌باشد اما در طول زمان با عوامل مختلفی تحریف شده است». <sup>۱</sup> تلاش‌های وی در جهت نیل به تجدد و احیای تفکر اسلامی را در سه دسته می‌توان خلاصه کرد: ۱- اصلاح دینی ۲- اصلاح لغوی ۳- اصلاح سیاسی (عبده، ۱۴۰۶هـ، ص ۱۸-۲۰).

کسانی چون امین الخولی و محمد احمد خلف الله از دیگر عناصر اندیشه‌ای این جریان هستند که اینان را می‌توان پایه‌گذاران جنبش نو معتزلیان در مصر و کشورهای عربی دانست. این گروه با تأسیس مکتب ادبی در تفسیر و نگاه ویژه خود به قرآن توانستند راه تفسیرهای عقل‌گرایانه را برای قرآن باز کنند. از دیگر چهره‌های مهم معتزلی معاصر می‌توان به این افراد اشاره کرد:

محمد عابد الجابری (مراکش)، جابر عصفور (مصر)، طه حسین (شاعر و ادیب، مصر)، حسن حنفی (مصر)، نصر حامد ابوزید (مصر، مقیم هلند)، عبدالرحمن بدوی (مصر)، طهطاوی (رئیس سابق الأزهر)، محمد الطالبی (تونس)، لیلا احمد (کانادایی عرب تبار).

البته قابل تذکر است که شیوه سید جمال و عبده در توجه به مبانی اسلامی و تجددخواهی با رویکرد این گروه به آن مبانی و اصول تفاوت‌هایی دارد. سید جمال و عبده دیدگاه‌های خود را در عمل به مرحله اجرا در آورده و شعار را همراه با عمل مبنای کار خود قرار داده بودند و در زمانی که استعمار فرانسه و انگلیس کشورهای اسلامی را تحت سلطه در آورده بودند، مسلمانان را متوجه راه حل‌های موجود در دینشان برای رهایی از این اوضاع کردند. از آن جمله عقیده به اختیار آدمی و اصل آزادی اراده انسانها

بود. ایشان با بر شمردن فضائل حکومت مردمی و با حملات مداوم و جدی به اعتقاد عامه در مورد تقدیر الهی احتجاج می‌کردند که اسلام دین اختیار است (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۲۳۵). آنها اگر در مقالات و مجلات و کتب خود مثل «عروة الوثقی» و «رسالة التوحید» به این مبانی نظری توجه کرده و به توضیح و تبیین آنها می‌پرداختند، در عمل نیز با تکیه بر همان اصول به چاره اندیشی امور مسلمین نیز اهتمام داشتند.

در مقایسه با ایشان، رویکرد نومعتزلیان به مبانی نظری بیشتر بوده و راه‌کارهای خود را صرفاً در کتب و مقالات و سخنرانی‌های خود مطرح ساختند. این هر دو گروه در مقابله با استعمار بیگانه متوجه این واقعیت بودند که با نظام اشعری حاکم که مروج جبر و قضا و قدر است نمی‌توان به رهایی انسانها از بندگی و آزادی اراضی‌شان اندیشید.

لذا از میان دو راه کلامی که پیش روی اهل سنت قرار داشت یعنی نظام اشعری که بیشتر بر نقل تکیه داشته و راه اعتزال که بر عقل تکیه می‌ورزد، آنها برای پیشبرد فعالیت‌های سیاسی خویش به اندیشه‌های کلامی اعتزالی روی آوردند. قابل ذکر است که در این رویکرد هم نگاه سیاسی وجود دارد و هم نگاه صرفاً کلامی، ولی ناگفته پیداست که هر دو گرایش با اتکا به مبانی کلامی کار خود را پی گرفتند. در این جا برای آشنایی بیشتر با این گروه به معرفی تعدادی از این شخصیت‌ها می‌پردازیم:

**امین الخولی (۱۳۸۶ هجری وفات):** در سال ۱۹۲۰ از مدرسه «القضاء الشرعی» قاهره فارغ‌التحصیل و سپس در همان مدرسه در رشته زبان عربی و ادبیات مشغول به تدریس شد. در سال ۱۹۲۳ برای تدریس به رم و سپس برلین رفته و در همین اثنا دو زبان ایتالیایی و آلمانی را نیز فراگرفته است. بعد از بازگشت به مصر در سال ۱۹۲۷ به تدریس در دانشگاه ادبیات مشغول و سپس ریاست دانشکده زبان عربی و زبانهای شرقی را به عهده گرفت. در دهه چهل با تعدادی از دانشجویانش خبرنامه ادبی «الامناء» را منتشر ساخت که هدف از آن ارتقاء سطح ادبی و هنری از لحاظ نظری و عملی بود. از تألیفات او می‌توان به «مناهج التجدید فی النحو و البلاغة و التفسیر» و «من هدی القرآن» و نیز مقاله‌ای در باب

تفسیر قرآن در مدخل تفسیر دائرة المعارف اسلامی اشاره نمود خولی حتی بعد از دوری از تدریس دانشگاهی و بازنشستگی نیز فعالیت‌های فکری و ادبی متنوعی داشته است (النیهر، ۱۴۲۱هـ، ص ۱۱۸-۱۱۹).

**محمد احمد خلف الله (معاصر):** سال ۱۹۲۳ از دانشکده ادبیات دانشگاه الأزهر قاهره فارغ‌التحصیل شد. از جمله استادان او در این دانشگاه، طه حسین، مصطفی عبدالرزاق و احمد امین بودند. امین الخولی بعنوان استاد تفسیر نیز تأثیر بسیار زیادی بر افکار او داشته، به طوری که از او خواست تا رساله دکترای خود با عنوان «الفن القصصی فی القرآن الکریم» را با او بگذراند. از گرایش‌های خاصی که خلف الله در این کتاب درباره قصه‌های قرآنی دارد و آنها را به گونه‌ای اسطوره‌ای توصیف می‌کند، چنین بر می‌آید که گرایش‌های اعتزالی او به قوت باقی است.

البته این رساله مورد اعتراض الأزهر قرار گرفت و از او خواستند تا رساله‌ای دیگر ارائه دهد ولی این امر مانع چاپ این کتاب در سال ۱۹۳۵ توسط وی نگردید و این اثر چندین بار تجدید چاپ شد (النیهر، ۱۴۲۱هـ، ص ۱۲۷).

**محمد عابد الجابری (معاصر):** متفکر نوپرداز، پرآوازه و جنجال برانگیز دهه‌های هشتاد و نود قرن بیستم جهان عرب است. از ویژگی‌های ممتاز او وجود اندیشه‌ای نظام‌مند در آثارش می‌باشد. او نوشته‌هایش را از مبادی مشخصی آغاز کرده و اهداف کاملاً خاصی را در نظر دارد و در چارچوبی مشخص و نیز با بکارگیری روش و مفاهیمی ویژه سعی در اثبات آنها دارد.

ویژگی دیگر او عبور از گفتمان‌های حاکم بر فضای روشنفکری دو دهه شصت و هفتاد و ترسیم افقی نوین فرا روی پژوهشگران و نیز طرح و کشف مفاهیمی تازه در عرصه مطالعات انتقادی میراث عربی اسلامی است. موضوع مورد نظر جابری نقد میراث است. به این ترتیب که وی بعد از نگارش کتاب «گفتمان معاصر عربی» نگاه خود را به

مسأله‌ای مهم که همان نقد عقل عربی است دوخت و این مرحله با نگارش و انتشار کتاب «تکوین عقل عربی» (۱۹۸۲) آغاز شد و سپس با انتشار کتاب «ساختار عقل عربی» (۱۹۸۶) و «عقل سیاسی عربی» (۱۹۹۰) ادامه یافت. از دیگر آثار او: نحن و التراث، التراث و الحداثة، مدخل الی فلسفه العلوم، اشکالات الفكر العربی المعاصر و چندین کتاب دیگر و تعدادی مقاله می‌باشد. رساله دکترای وی با عنوان «فکر ابن خلدون: العصبیة والدولة معالم نظریة خلدونیة فی التاریخ الاسلامی» در سال ۱۹۷۱ منتشر شد. (کرمی، ۱۳۷۹، ص ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۵، ۲۴۵، ۲۴۷).

**حسن حنفی (معاصر):**<sup>۱</sup> متفکر اصلاح طلب و استاد فلسفه در ۱۹۳۵ در دودمانی مصری زاده شد. در ۱۹۵۶ به درجه کارشناسی فلسفه از دانشگاه قاهره نائل آمد و دکترای فلسفه را در سوربن و در به پایان رسانید (۱۹۶۶). در سالهای (۱۹۵۶-۱۹۶۶) در پاریس در مدرسه زبانهای خارجی، عربی تدریس می‌کرد. در بازگشت به مصر در دانشگاه قاهره ابتدا تفکر مسیحی در قرون وسطی و سپس فلسفه اسلامی تدریس کرد و به عضویت دانشکده فلسفه آن دانشگاه در آمد. او همچنین در بلژیک (۱۹۷۰)، آمریکا (۱۹۷۱-۱۹۷۵)، کویت (۱۹۷۹)، مراکش (۱۹۸۲-۱۹۸۴) و ... در دانشگاه به عنوان استاد مهمان تدریس کرد و در سالهای (۱۹۸۵-۱۹۸۷) در دانشگاه سازمان ملل متحد در توکیو مشاور آموزشی بود. حسن حنفی وقتی در دبیرستان خلیل آقا دانش آموز بود (۱۹۴۸) با تفکر و فعالیت‌های اخوان المسلمین آشنا شد. در تابستان ۱۹۵۲ رسماً به اخوان المسلمین پیوست و در زمان دانشجویی در دانشگاه قاهره (۱۹۵۲-۱۹۵۶) در جنبش اخوان المسلمین به طور فعال مشارکت کرد. دغدغه خاطر اصلی حنفی بازگشت به سنت و میراث اسلامی در پرتو بازسازی و نوسازی علوم اسلامی است و در صدد است تا با این کار علوم کهن اسلامی را بروز و مطابق اقتضائات دوران جدید بسازد. و استقلال و هویت اسلامی را در برابر غرب اعلام کند. او نام سنت و نوسازی (التراث و التجدید) را بر پروژه خود می‌نهد و سه جبهه

---

۱- بر گرفته از کتاب نقد و بررسی‌هایی درباره اندیشه‌های نصر حامد ابوزید، ص ۱۹-۲۱ (مقاله دوم - مهدی ذاکری)

برای آن قائل می‌شود: ۱- بازسازی سنت کهن ۲- بازاندیشی در بنیان اندیشه غربی ۳- نظریه پردازی مستقیم در خصوص واقعیت‌های خارجی امت عرب مسلمان.

## آثار و تألیفات حنفی

وی آثار خود را در سه سطح تقسیم بندی می‌کند:

### الف - سطح علمی و تخصصی

۱- التراث و التجديد. ۲- من العقيدة إلى الثورة ۳- مقدمة في علم الاستغراب

### ب - سطح فرهنگی

۱- قضايا معاصرة در دو جلد: الف) في فكرنا المعاصر ب) في فكرنا الغربي المعاصر.

۲- دراسات اسلامية ۳- دراسات

### ج - سطح عمومی و نوشته‌ها برای مردم

۱- اليسار الاسلامية ۲- الدين و الثورة في مصر (۸ جلد) ۳- هموم الفكر و الوطن

(۲ جلد).

در میان سه جریان فکری رایج در مصر که عبارتند از: راست دینی (غیر دولتی)، چپ اسلامی و چپ سکولار، وی نماینده چپ اسلامی است. لیکن خود معتقد است که از ابتدا در نامگذاری این جریان که مربوطه به اوست اشتباه رخ داده است و خود نام «التراث و التجديد» (سنت و نوسازی) را روی این جریان می‌گذارد. «اسم این جریان در سطح علمی و نزد خواص التراث و التجديد است و در سطح مردم و نزد عوام اليسار الاسلامی».

چپ اسلامی تریبونی است که سنت و نوسازی در آن کارکردهای سیاسی‌اش را در جهت بسیج توده‌ها منعکس می‌کند. «عدالت نژاد، ۱۳۱۰، ص ۴۶». دلیل اینکه وی به این دلیل نام سنت و نوسازی را برگزیده است که می‌خواهد در پرتو سنت و میراث اسلامی به بازسازی و نوسازی علوم اسلامی بپردازد. در مورد زمان شکل‌گیری این جریان چنین



می‌گوید: «چپ اسلامی در ۱۹۸۰ بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹) و بعد از بیشتر شدن اطمینان به توانایی‌های انقلاب اسلامی و کمی قبل از حادثه تریبون در مصر بوجود آمد.» (عدالت نژاد، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

او چپ اسلامی را ادامه و مکمل اولین حرکات اسلامی در تاریخ معاصر می‌داند که به اوضاع مسلمانان و نیازهای سیاسی و اجتماعی‌شان توجه کرده‌اند. منظور او از این حرکات، جنبش سید جمال و عبده در بیداری اسلامی است. او به این مطلب اشاره می‌کند تا تأکیدی باشد بر اینکه این جریان دارای سابقه و پشتوانه قابل توجهی است و آن گونه که عده‌ای درباره آن می‌گویند بدعت در حرکات اسلامی نیست. حنفی معتقد است «با وجود اینکه در قرآن بر وحدت اسلامی تأکید شده است لیکن چنین وحدتی وجود ندارد و چپ اسلامی به همین تمایز میان طبقات جامعه اسلامی از اغنیاء و فقرا توجه دارد. تمایز طبقه حاکم و محکوم و سیطره طبقه اول و در این میان چپ اسلامی از طبقه دوم دفاع می‌کند.» (حنفی، ۱۹۸۱، ص ۳-۴).

او همچنین چپ اسلامی را نتیجه حتمی پیروزی بزرگ انقلاب اسلامی در ایران می‌داند که چگونه ملت توانست در مقابل تمام قوای رژیم مستبد شاه ایستاده و با نیروی «الله اکبر قاصم الجبارین» و با شعار «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً» پیروز شود (همو، ص ۱۳). در نهایت در مورد این جریان می‌گوید: «چپ اسلامی هم چنین تحول اصلاح دینی است که در دویست سال اخیر آغاز کرده‌ایم و فقط در سطح مقابله و برخورد با مخاطرات زمان یعنی استعمار و سرمایه داری و ... نیست، آن طور که نزد افغانی بوده؛ بلکه علاوه بر آن در سطح اعاده بنای فکر دینی و اصلاح آن نیز می‌باشد. و برای اولین بار بعد از ابن رشد در فلسفه و معتزله در اصول دین و شاطبی در اصول فقه و ابن خلدون در تاریخ و ابن تیمیه در فقه، به بازسازی صیاغ فکر دینی پرداخته‌ایم و این کار را با دوری جستن از اشاعره که تفکر رسمی (در مصر) و رایجی که آمیخته با تصوف هم هست، آغاز کرده‌ایم و به معتزله نزدیک شده‌ایم؛ همچون محمد عبده که معتقد است عقل قادر بر ادراک است و به استقلال اراده در رفتار و سلوک آدمی ایمان داشته و انسان را با

عقلش قادر بر شناخت معرفت و با اراده‌اش قادر بر انجام افعال خود می‌داند. لذا چپ اسلامی موافق با اصول خمسه معتزله آراء خود را شکل می‌دهد.<sup>۱</sup> (حنفی، ۱۹۸۱، ص ۱۴-۱۵).

**نصر حامد ابوزید (معاصر):** در سال ۱۹۶۸ در رشته زبان و ادبیات عرب دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره مشغول به تحصیل شد. پس از دریافت مدرک لیسانس (۱۹۷۲) در همین دانشکده به تدریس پرداخت. وی مدرک فوق لیسانس خود را در ۱۹۷۷ و دکتری را در ۱۹۸۱ در همین رشته و از همان دانشکده دریافت کرد. عنوان رساله فوق او «مسأله مجاز در قرآن و گرایش‌های عقلی در تفسیر قرآن در نظر معتزله» و پایان نامه دکتری او درباره «تأویل قرآن در نظر ابن عربی» بود. علاوه بر تدریس در دانشکده ادبیات قاهره، در دانشگاه‌های آمریکایی قاهره (۱۹۸۵-۱۹۸۸)، اوزاکای ژاپن (۱۹۸۵-۱۹۸۹)، خارطوم، پنسیلوانیای آمریکا (۱۹۷۷-۱۹۸۰) به تدریس و تحقیق پرداخت. در سال ۱۹۹۲ با ارائه ۱۳ کتاب و مقاله خود به کمیته ارتقای رتبه دانشگاه درخواست بررسی و ارتقا از مقام استادیاری به رتبه استادی کرد. بعد از هفت ماه یک تن از اعضای این کمیته سه نفره این مکتوبات را مشتی آثار ضعیف و انباشته از التقاط و گمراهی دانست، اما دو داور دیگر گزارش و ارزیابی مثبتی ارائه دادند. سرانجام هفت تن از کمیته دائمی ارتقای رتبه دانشگاه به نظر اول رأی داده و شش تن دیگر با نظر دوم اعلام موافقت کردند و نهایتاً ابوزید نتوانست به رتبه استادی دست یابد. دو ماه بعد دادخواستی از سوی هفت تن از اساتید دارالعلوم و الأزهر تسلیم دادگاه شد و پس از اینکه این دادخواست یک بار از سوی دادگاه رد شد بار دیگر با درخواست استیناف از سوی این افراد، سرانجام دادگاه تجدید نظر حکم به ارتداد ابوزید داد.

---

۱- مجموعه‌ای از مهم‌ترین آراء کلامی حنفی در قالب پایان نامه دوره کارشناسی ارشد این جانب به راهنمایی جناب آقای دکتر افصلی و مشاوره جناب آقای دکتر پازوکی، بررسی شده است که خلاصه‌ای از آن در این فصلنامه تقدیم علاقه‌مندان خواهد گردید.

هم اکنون ابوزید به دعوت دانشگاه لایدن هلند در آن دانشگاه رسماً بعنوان محقق و استاد مطالعات اسلامی در مؤسسه INIS وابسته به آن دانشگاه مشغول به کار است و در همین شهر به سر می‌برد (عدالت نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴-۱۷۶).

آثار ابوزید شامل ۱۲ یا ۱۳ جلد کتاب، ۷۴ مقاله به زبان عربی و ۸ مقاله به زبان انگلیسی، ۵ ترجمه و چندین اثر مکتوب دیگر می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آثار او عبارتند از: *الإتجاه العقلي في التفسير، الخطاب الديني، فلسفه التأويل، مفهوم النص، نقد الخطاب الديني* (عدالت نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳-۱۷۰).

مسأله دیگری که درباره این گروه مطرح است، زمان پیدایش این عنوان (نومعتزلیان) و افرادی است که این نام را بر خود پذیرفته‌اند. در مورد زمان ظهور ایشان نمی‌توان تاریخ دقیقی را تعیین کرد، چون همان‌طور که گفته شد این‌گونه طرز تفکر و روی آوردن به مباحث عقلی به شیوه معتزلیان، به تدریج و در بستر تحولات سیاسی اجتماعی جهان اسلام در سده‌های نوزده و بیست شکل گرفته و از آنجا که پیشتازان این جریان یعنی سید جمال و عبده علیرغم توجه به جنبه‌های ویژه مکتب کلامی معتزله، هیچ‌گاه به صراحت خود را پیرو آنان ندانسته‌اند، لذا اطلاق این نام بر آنها کمی دشوار است. البته مسأله دیگری هم باید مد نظر باشد و آن اینکه اگر ملاک‌هایی چون رویکرد عقلانی در تفسیر، تأکید بر عقلانیت، اومانیسیم، اختیار انسان و عدالت اجتماعی را وجه ممیزه اعتزال بدانیم، این افراد و نیز کسانی چون امین الخولی و احمد خلف الله را که استادان حنفی در مکتب ادبی تفسیر هم هستند، می‌توان معتزلی جدید نامید؛ گرچه خودشان به صراحت چنین نامی بر خود نهاده‌اند البته مصطفی عبدالرزاق شاگرد عبده که خود نیز مجددی در فلسفه اسلامی است، استاد خود یعنی عبده را نومعتزلی می‌نامد. کسانی چون جابر عصفور، حسن حنفی و نصر حامد ابوزید ابایی ندارند از اینکه خود را نومعتزلی به نامند.<sup>۱</sup>

---

۱- قابل تذکر است که گرچه این طرز تفکر و این جریان در کشورهای عربی به ویژه مصر به دلایلی که ذکر شد، از جمله غلبه تفکر اشعری، ظهور بیشتری داشته و اساساً در آن جوامع شکل

نومعتزلیان علاوه بر رویکرد عقلانی به مباحث کلامی و توجه به کار معتزلیان قدیم در این باب، دست به ارائه تفسیرهای جدید از آموزه‌های دینی زدند که این آراء لزوماً مطابق با آراء معتزلیان قدیم هم نیست و حتی گاهی آن را به نقد هم می‌کشند. اما در اصولی مانند آزادی اختیار آدمی و نفی جبرگرایی با آنها مشترکند. در این میان کار دکتر حسن حنفی از این جهت که به جمع‌آوری این آراء و دسته‌بندی و بررسی آنها بصورت مدون و منسجم پرداخته (در مجموعه ۵ جلدی من العقیده إلى الثورة) حائز اهمیت است.

### منابع و مأخذ:

- ✓ اشعری، ابی الحسن علی بن اسماعیل، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، النهضة المصریه، چاپ اول، ۱۳۶۹هـ.
- ✓ حنفی، حسن، *من العقیده إلى الثورة* (المقدمات النظریه)، بیروت، دارالتنویر للطباعه و النشر، چاپ اول، ۱۹۸۸م
- ✓ همو، *الدین و الثورة* (اليسار الاسلامیة و الوحدة الوطنیه)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۹۸۱م
- ✓ عبده، محمد، *رسالة التوحید* (مقدمه حسین یوسف الغزال)، بیروت، داراحیاء العلوم، چاپ ششم، ۱۴۰۶هـ.
- ✓ عدالت نژاد، سعید، *نقد و بررسی‌هایی درباره آراء و اندیشه‌های نصر حامد ابوزید*، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی، انتشارات مشق امروز، ۱۳۸۰
- ✓ عنایت، حمید، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء الدین خرم‌شاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۷۲

---

گرفته است، لیکن رگه‌هایی از آن را در کشورهای دیگر از جمله ایران و در میان جریانات روشنفکری جدید در دنیای اسلامی می‌توان جستجو کرد.

- ✓ کرمی، مرتضی، بررسی آراء و اندیشه‌های محمد عابد الجابری، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی، انتشارات مشق امروز، ۱۳۷۹
- ✓ محمد صبحی، احمد، فی الکلام، بیروت، دارالنهضة العربية، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ هـ
- ✓ النيفر، حميدة، الانسان و القرآن وجهاً لوجه، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ

پایگاه اینترنتی:

[www.Muslimphilosophy.Com/rep/ho 49.htm](http://www.Muslimphilosophy.Com/rep/ho 49.htm)

